م الم الم الم الم الم الم الم الم الم ال	، اول املاح اتصادى	شاره ۱۱۹	بر بن ال اول الم
الدرام الدرام الدرام الدرام الدرام الدرام المرام (٢٠) ادت ١٩٢٢	A low and the states	۲ شنبه ۲۸ ارد ۱۲۰۲	
مان المان الم			فى الله معا فلاسا بى بى بى المتياز <sup>تو</sup> مدير م
وجه اشتراك : منه ما مراجع الماري منه ما ماري منه من مراجع الماري منه ماري منه ما ماري منه ماري منه ماري منه من مراد منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري منه ماري ماري ماري ماري ماري ماري ماري ماري		- الانات المراد (مراد المراد	مهامه اول به انوب با مه قیمت اه- به انوب با مهمه اول مهمه دوم و سوم مهمه جهارم
ما الم الم الم الم الم الم الم الم الم ا		alter in the second for the state of the sta	منحه جهارم الهداي: المسبو المعارم : طهر ان خيابان لاله ز
و طعم بن از برایا با اعماده معد میزدند. از طعم بن از برایا با عماده معد میزدند. از است چرا با برای برای برای برای ایجا از از این از			
المعالم	کا:خاند ۱۰	کرشنه بجنوف رسید و یقول معروف نه سوماآند ۱۹ دستار ۱ ۱۹۹۳ میر مداند از این	ا دواشت لومند به دما هاما، معرف جامد من المالية المدمن
	، نیمی است. در مقاله دیروز لزوم ، کا بطانه را م	این اولی بامردم صحبت اردن چه هاید. این اولی بامردم صحبت اردن چه هاید.	ممادت را از کار بابه خواست .
جرد الله المناقف كنت قلم تحول من يس	متعلم مختصرا خاطر. نشان كرديم .	دارد ا بالماستان المستخب الرون به مايد. دارد ا بالماستان المستخب مسلم ومدين بلد سبغ مال ملت اليران بالمسبحت آدم المبعرد ال	المالية من الما في المعنى كاو هم آن عملى است . المالية حجر وأيار معقدها بايطور غير مستقبمتوليد
۲۰۰ می مراد میل ادارید سر قام طلانبتان با استعمال مرک معمولی ضایع شودازمرک مخصوص Swan که یتازی وارد نموده ایم استفاده تمانید . برادران مارین - لاله زار	براى امروز مالد المدينية	الملاح البل اوير أجاله وابي اطلاع - فقط	جنس و متاع می کند . می ا
مشمم المرد اعلان ۱۳۱ می معدود می معدود المان المرد ال	البته پس از خواندن آنچه دبروز نو: شك نداريد كه نهبه درم شاكرد محت	ببك وسي- له ممكس است در جاده مبعض الداخت ربس : زور ا	روج ۲۰۰۰ / ۲۷۶ ) اناج حاسل کار مربوط به خوبی مستحسین مربع ادوات فاحق ق ارایت مؤسسات
ارية المحانة نظامي حاضق سبت	به کتابخانه است · غیر از درس ـ مد ملاوه بر درس بك وظبفه مهمتری هُم دا	رامه الحت و این : رور ا به معنی این تا یای زور مز میان نیامده از نرقی	میند. ما قوال شدن او به انخاصالی است <sup>، . خ</sup> ماقدر ایز ارشها ما قوال شدن و به کاملاقر و <sup>ن</sup> اسبسات شمسا مراتب
	اربيت قواى فكريه . اهميت قرالت كد	الدان مايوس بابد بود	کامل کر و ۱۳سیسات شمیا مراب گرباشد از کر پیشتر کتبجه خواهید
الشاء المر: اعلان ١٣٧ (معددهم)	ور همه کی واضح است · ابن مسئه آن بوشوعالی است که در ضمن درسان	الله الماريخ اين مات . بعقبده خودش همن هزار سناله ارا ورق بزايد - بكاويد	
	ا به شا کردان داده میشود و ما کسور میک از بهسط مقال در این بساب ای ام	- منعمة بمغنة خط يعنط بغوابه	انت ان بن هو به جوارية كارل - علفر بش » انت ان بن هدار الجارف اين سياست. هدارالجالي ا
and the second	1 ( a	محقق می عبد حق و ما است . این جملور ۲ همهم این این این این این	باب ومع خند است. باب ومع خند است. باب مدار استامین مامه دالانو و دیساخ.
· در المجموعة الحلاج دادة مبشود كه الم جمع فقط تا ظفر دوا حالة براى دادن حب بريدريد	كَتَابَ شَا كَرْهُ مَدْرَسَهُ آدِمَ بَار لَعْبِايَد .	م بن بهدایل این که مثل ووز Tشکار می	فالمالة من المن معبد المنتخف المسلمة الم
的复数形式 化铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁铁	ابنجا مقطود كتب مسالى ليست ، أخر كتبى است كه شايد اصلا شربوط به دو	شود در میچ قصر و دوره تی ملت ایران چیزی نیوده به هرچه از ایران دید. شد	بشبد: آلما سادت و غومتن هربوط به کار نبست - بسله باقبلل است ·
all tills and the second se	مدرسه مم فياشة از قيبل رمان _ ثار	بحر رؤسای ابرای است ۱ مد است	من کرمه اه است که دملرین،
مريد المارية الى غروخة ويشود بطاليين ختواقد سرجدمه كرجه سرداري كوسط معدل احد ملك	اکلناکت علی والیکرافیائی - کر آل انداز وغیرہ اوغیزہ ایک ایک کر	از میروس کا نادر بر از انام میرد. میراند میروس کا نادر بر از انام محمد محمد ما دختا حان سردار سو به مو وقت	می کوید - سیاست بازی ماهم کار است. بیتر بن کارها ·
أبره المعادل لمعاينه لوة ساحيص بذابكره فمايند ب	من الدام الم محمل باي خودرا از دا ملومات ديستالي برون نكدارد، داراي	. کارم، در ایران شده کم پشود پیش دو نفر	الم ٢٠٠ ت الديل ادوات في أو ابن قيبل علرها
V - Veraile laboration to the work of the sector of the total the sector of the sector	لوع شخصبت و آستقلال فكرى تيست	العوف آورد ان کار از ایا قت خلاطین و . سر مسکریه جای ایران بود: انه تأشی از	المدرد ابران الى حورد ما بابد الولم درفلز آزادى واساس دقدس شدوطه مان بادم .
المدن المودير المبدائية - خصول وجنعال المسلحة جمنا ترسحر مي المسلحة المسلح المراحي المسلحة المسلحة المسلحة الم	قدیرش خثک ۔ قدش کند۔ الجلاما سطحی ۔ نظریاتی کوکاہ ۔ عواطنتی	الملت فريمة جمين ب كالسبيد الله الم	- منه ما- الاداد منجا الد مخواهد رسيد- "أمن
می کر مساین باید مطالبه کنند سورت نسبکرادند مسب به اطلق خواب خود قدم نمیکذاردند این	اسامی است . و مراقت - قرافت کتاب - مالمه او	۲۰۰۰ ۲۰۱۰ ر محمد کر این است بکوئید کی ۔ مجاحد کر ایم تنوینوع T ب- این است	الم ال روزي باطرا است ، ير دريند علومه نيايد روزي باطرا است ، ير دريند علومه نيايد با ه در دريند روادا رويه به مدينه الم
	عر و مثقت بك اندر لويسنده روح	ميته الم على الم	The I letter has been ( i.e. " the a million of the second
ليد المله عدم أي تكابيعاله شخصي درمزول المستعم فرالا فاقت ممري مين دولوي ايران و الا	پرورش میدهد – فکر را در دماغ نوا	اسطلاح جديد • خوده » _ المدر في عرضه اب هد •	مان الماني اكر ممل اين ملت اندين و كردوجز. والد ايراين است ايكونيد اليمت مبزيي • ال الن
	مبکند کے انسان صوری زا انسان معن مبکند •	امی قد . ولی حالا که این است چه بایدکرد ۲	بيجاره در كشافت خدر كابه كالمرو
مل مركزفةند ويسراز رفع المتياج رد مبكرداد مواد سياسي و كجارتي اللعتاب شوند .	داره ایلکه چنین وسبله ای به عم داده شود باید مدرسه کتابخاله داشته آز	ید باید اریک خورد ۲ رو بقبله خوابید ۲ ۱۰ - باید ملت بهجاره وا بستال خودش	رفته و دېچ اصلا ملتفت نيست که طلريب
لا يك أفسر هم ذوق طلبا لعــه و نهــه الم	شاکرد مدرسهٔ آن قدر استطاعت ندارد همه کتابهای خوب واشخصا خریداریمک	کذاشت ورفت کسی را پیدا کرد که بشرب	المحمد المحام طواهد شد • المحمد بر المحمد الدرية. هذه المن شده بدار الرازهمه : • المالا شرال الم مع بدور

از فردا کلیه وزارتخانها و دوانسر ادولتي بواسط، أيام فأشورا و من اداري خامس آل عا أاروز عجواردهم تحرم العابل خواهد and a set of the second as a later of the second مر الأسم وزارت عدليه فق إدارة الطبية ازام وز سايل كرديد الم الم ويتب مجروع ال سین تردید در نمایشکاه مداد تشدایس که میرون مایشکاه المن يعونجب تصويب جيئت وثبسه العابيتكاء أبتعه وطبق كلبه دول خاذجة يا بَعْيَانِي آنها مبقوالندماذين ألات أيراى قرؤش بتمأيشكاه از آنهسا وأ داشته كا شب به چند كتاب الدهند، و عقر من الله المصديق المهاجين المقعة وطن بهاورند دولت رومنه حضرشده

ما ووز الدشتة شرحى راجع يقبول تايميت المعني ماجو ( شريكر ) فوشته شده بود مشاراليه المعني فبلا ليمه هنكرى يوده ات يمد ليمه يران 

المطبل دوائر درلق .

درس داشته بشد - آاز. كتاب ادارد مُدرسة اش داراي كَتَابِعَاله نيست 1 ٱلوقت الما توقع داريم كا ملم مى سالقبل معلومات طرق ارابيت امروز را هم إداادا . كمنى كه وسبلة بسراى أز دياد اطسلامات و تعلومات خود ادارد ۳ . اسم کمان خود ادارد ۳ . اسم کمان درجریان ارق معارف مالک متمدنه ابست<sup>ار</sup> دار بریاری درمان که میماند. ابست<sup>ار</sup> درمان که برای ک ایک که برای که اساسا به الهية درَّش معلقد بأشد ) بابدقناعت به یك كتاب عهد عتبق كند جنبن شخصی جکونه می تواندا دوس خبود را مناسب ب مقتضبات عصر كند ـ درس امروزخود رز با مال پنجسال پیش بانداز. ای که عالمدر ظرف این پنجسال وو پترق ز فته ندیم

همه کتابهای خوب راشخصا خریداری کند. ابن كارايا المدرسة الت المراج بجميه المفينه يون تەفقط كتابخانه تۇراى ئەبەدرۇس روز اله لازم است بلكم براى مطالعه وقرائت محملين ملم فغايت خرورت را دارد ، ٥ ميا الله بعلاوه النها متعلم ابست كه از كتابعانه مدرسة استناده مبكند المجريري وجريد الأذرا عالى كهملم بوظيفه خوة كاملاأشنا أَسْتُ لَ قَمِلُ أَزْ رَفَتَنَ بِهِ كَلَاسٌ دَرَسَي زَاكَهُ بايدا ويماقد خودش ارل حاض متى كند ور برای این کار به کتاب احتباج دارد. المجمعاتي المت كم بدون مطالمه بْتُوانديك درس خَوْبُ رَمَّ كَارِبْحَ بِاقْتِصَادُ بِإِ ریاضات بدهد ۲ براو قسورهای درجسه اول اوْوْيَا كَمَا نْكَارْلْدْهِ الْعَنْجَارِ. مَمَا شَرْتْ بْهَا سِيضَى

شلاق ایران را کریبت بکند به نسل هرچی وا ور بېندآزد – مردمها بکار وا دارد-ارای ایران راه آهن بکند . ..... تعديروني كه همجو كمن الإيدا عد اوا أوضاع اقتصادى بارا سر و مورك ماد ك دُولتَ ما فوه كرفت و أطابي كه إرائي سمنط اسلللال ما كاني باشد بوجود أمد \_ ديكور سالی جنسد بن مزار ابرامی شل حیوان از كرستكي و في إرستاري أمله أشد الد \_ در م، كوجه ده قدم بك بار و عاجزم ، وحم كليد ، المنيد بد ـ ال وقت م آ أنام ـ می لشینیم -می بینیم که مشروطبت کارالکلیس برای ما لازم است با مشروطه سبك آلهان . بيت مديع الم فينا موج فاوز وه

المراجة ميكوثيد في اثر است - بالصداء نفر - إنكار - بافهم و عزم در آبن خراب-المن عدة ملك السليم ومناط مراج ا مدة معمد بالمعلى المعلى الم المعلى المعل ت الدينان المعلم المعلم المعلم المعلى الم المعلم من دانند كه هفته المعنته قواى ما لى ما ى كاهد - همه ى بينيم كه عده إيكارزوز الله ، بروز بيعتر ميشود - بالبن حال هيچ كس ی قدر فکر جاره این قلاکت و ادبار ایست -كج و بي وبط علىالالمال مبدويم \_ دولت المان الريم - حكومت مى الريم - وجان هم ا بي من المترم 1 : بي الماية، بابر ابيا براية العالي . الما بحم بله روز خبر دار خواهیم شد کهنیه ه : ضعيف امهوز هم الحليل وقت ـ كار أملت

	en en en services en	anna an santa a salakatan sanaka kata maaning sa kada kata kata kata kata sala	and the second
US APPLIER STUDY AT ALLE.	Water Water & Son Water a she	ب آسلامیول فورا شروع خواهد شد. مین	دوش ألمان بر حبات إفتسادى الهمه وارد
مسوم راپرت شلا مناهد		(ب·ب)	اسازد وملت بيش از آبن ارق كند آنا.
الم الم المعاد الم	مببأشد بسمت ریاست کمپسر های ملی نامرد لمایند . همرکاه موفقیق در این قصیم ما سل	المكراف وأسلة أز آلمره حكى است	المجمع معمكن است تجددا مشتول كاذبه فمرامت شود
القية الشمارة قبل لا يشتخي المنابع المن المن المن المن المن المن المن المن	منار البه بسمت ريات المخاب	که نملی قواد باشا آاب رابس مجلس مای	المستحد فالمه متذكر شد كه لازم أست امنيت و
	ی مردد انتراکهون افراطی پنتج مهمی انال	اظهار مىداردكه دولت عندانى قطت اسىبم	T سابش در داخله مسلقر کشته او از عدوم
باین احاظ نتوااستم خود را راشی آنم به اینکه از اجراه این ایکنان کا لا دارد.	آمده و لما. عظيم، بدسلجات اعتدالی که	برفته است که انقره بابلخت عثمانی باند	طبقات نقاضا كرد در فرخه طالا شركت
باسْلُمَان كادلًا مأسرف شوم • ماهمیشه تحاضر یوده ایم دو مقابل ادعاهای منع گسازم شویم ولی خاصر ایسانیم این مساله را اورخود هموار نمانیم کا یک تج	المایند کان آنها (کانف) و (کرانین)	المالية المسبون امور خارجه مجلس ملى أنفره	جويند . پس از آن اظمار داشت : وظينه
مصابح عوام وی عصر المسام این مسلم را بر حود هموار عمالهم که یک ع هوش مند در مرکز ایران اعالت خود در در مجمع آوری مالیات هم ودر	هستند وأرد خواهد كنت مستشقيه وال	عهد نامه اوزان را تحت مطالمه در آورده	دوات آ است که المأضای راجع بتثبیت مهزان
ملكى دريغ ندايند قطع أظر ازان عات شود را در مجمع الورى ماليات كم ودر مملكى دريغ ندايند قطع أظر ازاين مشاله دلالل . تمانى وجود دارد كم عاليت	الم الم الم الم الم الم الم الم الم	۽ است بينا جو آبي	ر بال مارك را بذبرد واملی را هم که میزان مزد
تحديد علت غمده اغتشاش أصفهان تبست معملة أشخاص كوناه تظن وع	میلی ارکع از جلسات مقدمائی		کار کران پیشنهاد شده بود تصدیق آمود .
مَد اصلاحات ماليه و مخالف باعلهات مُدَيران الم بكاني مبياءند و آبن المخا	کے فرانس نمایند کان اجرائبہ انحادمالک	سلونو بی تصحیحه المدین منطقه و از <sup>مرو</sup> المح	بهد الهلق خوبش رأ بدين عبارت خاامه داد :
الل قوای محرکه سیاسی و افوذ أجاب ومهارای که خودشان سرآنتریک دارا	مستقله و دېرای استقلال داخلي و جهنوری :	۲ قـوای دولق مملـکت آ زاد ایرلاند	ما حق داريم كه باتبه آلماقه إمبروار باشهم
رمايا كو سايرين ازا ۵ كمراه تموده و آنها را بيك عادانتها في وادار شابند ا	المالي شاوان جلد أفر أز المابذة كان أوجـة	( دوالرا ) را دستگیر کرده اند ( ر )	الله مر و الكانف ما آلست كه الميدوارى مزبور را
المحاد في كه ما الحاد المودة أيم بعني في مع معمدارا و الملبة در معابد ا	دولت تداولي فيند بدر از الدارين عن توقيعه دولت تداولي و ( استالين ) <sup>م</sup> رثبين آداره	في المعاد ( دوزلدرف ) المعار مي	المريدة م مجنك أورام ، ( ز )، م مر م
عالالی بهبچوجه قابل لصدیق و ترکبه اخراطد بود الله به مارد و	الاياسين (٢ بمخالف و حصومت روز أذرن	دازد که نظامبان فرانسه در ( ویتن ) پنجا.	المعيد والرسبة المراجع والمراجع
محمد المراجعة المحكور المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المحاصي المعاصي	· الحالي تسبق بطرز فرَّ التول شاوتي و تحزب	ملبارد مارك تصاحب كرد. اند 🚬 ( ر ) 🔣	روسیه ـ دماینده سابق دولت ملی کرجـتان
م عر آبن اغتماش أمنهان بوده الذ مذكور و منتشر خواهم ساخت سيسي	المتراكي تتعاوف داشته والظهار المؤذلد كه	ک رکابه وزراء هیلت دولت اس بکا حاضر	ت أبه ، أدر لوزان خبن فتل بازده ، أمر، از مبرزبن ،
الم يم الم وضعبات عمومي واجع لمتريك از جند ما. اخير سال كذشته باين طرو	· از بك طرف إبوسته إن المداد إبكاران افزود.	شده اند که بسمت سابق خود باقی مانده و	. میارمایه کرجستان که پوسیله عدال مشکو در افلیس
دو الزار های خارجه رونق فوق العاده پیدا کرده است کر ابن واسطه در	شده"و از طرف" دیکر "ملوم نیڈت محصو ل	وظايف الويتين را المجام ذهند (ر)	بالرحدا "إنجام يافته لود تا ثبد كرده و با به مين باب
که این مدت سادر کردیده یك الگیبر حمده بوقوع بوسته رواج سو (ا ک	حده السنة خوب باشد . از آبن منشته در	المستند المعلو فبه المستعاكمة فاله فدر المتراكي	عديد في في معاد اليه المتعاود اشتها عيال الساديت
خارجه التاج ذيليرا بغشيده المشرية المرجه التاج فالم	بسباری از ایالات قوای جربک بعسی پلیس	که ماهم بسر به بخی از او امن دو ات کانونی بود اد	ينه به ال مشتول ارتكاب من الحسام اجتماعات و العديات (
(اول) قيمت ترياك به نناسي كه در سال كديمة در همين اوقات	بحالت ا-بتماع دست إز كار كشيده باعتصاب	خانمه بافله و در للبجه حجهار نفر لحکرم به	مَنْهُمْ مَا مُعْدَا مُ عَدْهُ وَإِنَّاهِ مَنْ الْبُونُ دَرْ كَحْتَلُهُ دَيْد
مَدْى مُدْ لَرْقُ أَمُودُهُ استَ يُواسطُهُ إِنَّ لَمْ قَاطِقٌ حِبْهُمَا كُمُ سَالِهَاهُ، قُبْلُ	مبادرت ورزيدهالد.	اعدام - دو التر محكوم بعبش مؤيد -	الله المعالية المع المعالي المع المعالي الم الم
مرده إودلد بك ميدان ولابي جهرة منا فع خو و ميد ! قموده بم عدت ع	- يعقيده نمايند كان مذكور از اين	وهتقاد المرعكوم المنت هاى عقلته حبس ازدو	ي لي في إلما ينهم متعاد البه إلحافه كرده است ،
الفزود. (لد / الم	وقاب م جنان هستداد می شود که بایستی در	الى كواردة سال والشفن ماد كفته و كم الدر	ين از معلم ساويت پس از معول يغاله رئبس
ر ( ۹۰ ) بهمین جبة بعن ارق قیمت کریك در خلوجه ر منافع پرری	امول إدارى محكومت ساوقى كفيرات مهم	مم متنصامن كمانه اله المد به إ ( ر )	و المعني ( المعنوف ) درجمتان اودا وادار كردماند
آن بدست من آبد تقریب کابه مجار تمام اوقات خود را مرَّف جونه	اساسی داده شواد و در این این ا	De alter Branderer	ي ال المعرفي كا سابقاً بالفراكس ون راجع يه العرف
ارياك مالى و لوله كردن ترياك را جمة ممترف على متروك واستند ومستسب	الما الما الما الما مربور المديسم	Japa 2 - Warth The all	بالته مرجستان از طرف اجالي ، نوشته بود ، و
همجوقت كجارت صدور أرياك بإين الدازه سؤدويد نيوده است مقار	كرفت كه إدولت لوصيه كنند حكمراجع	الله مالي ما به ملاحلة ما در مطبوعاً معنى ما رحم مدالة اذ جذاله الكلين عاد الدارة	من جر جالمات انهارا ایمان کرده اود کلذیبکند: -
<b>گریاك لوله که از مراكز زراعت استارج کراف خل و آقل و پیمه باشریاب</b>	باخدالبات جنسي را از دها بان وروستائبان	ال جوالد الكليس عار المارية	محبور كردماند كتبا
طهران مازندران حمل شده بود باستهنان عودت داده قر بجونه مبدل مستوردن	الفو قدايد مو الله الما الما الم	المحالة المانية بس از للمن الم	اشمار دارد کدر کربستان ازادی مذهب
به بوشهر حل شود ، قبت بازاري تربك در خارجه بالدازة محة إف است	· ۱۹۷۲ منتشمار دینک پیت ، ۲ ور یه ۱۹۷۲	المحمد الملبومات أدميم ساوك الملاح من.	م الدارمية <b>وجود دارد. ج</b> ون إسقوف مزيون الملاع كرده .
ورداخت مخارج حمل ونقل و ببسا وغوه بازهم يك أسود تجمده تراى شاحب		. خدندك دورة الجلاسيد آكبه الجرائبه س كزى	اورا ميوس كردند
مبكردد نقدا لرباك جونه كه براي صدور جان غده لكم المسده		الحاديــه جمهوري لهاي نساوني روز پنجم	المعدد وتعاليتون عمده كرجيتان در مانوقت
فارد وال آنكا در سال كذشته جهلو بنج مومان قيمت داشت 🔧 🗧		ژویه منطد خواهد کت و پس از لطویب	وستعمر شدند وأنها را در زير لهديدقدال
ابن مسلم الحكر جه از نقطه نظر تعجارتي برأي مملكت خيسل ،	عدة محصلين مسلمان در مملكت المان :	فلون اساس رقبتن جديد كمبشر هاى ملى	واداركرداد كا أسلوني مزبور الرأ خامكاند
است ولى إزحيت ماليات زيان عمده وأ در بودارد حون كرماك كه دو مدارد	. متعالى بيد المن المعالي الم	را برای اینکه قام مقام لاین شود التخاب	الأمني أز سر اوشت روحانبون کم حاض بخیالت
شعت وهفت لومان و دو قران ماليات از آن دريات مليند خلا که از ملک		خواهد لمود	فسبت برئيس خود نشدنه اطلاعي دردست
ماليات أن فقط يكمن دو قران است أرياكي كه إز إصفهان مرامه معد في مرا		وقابع نگار مخصوص ( مارنینگ ہے۔ )	المنادر المراجع
بايد حمل شود بعارجه حمل أرديدة و ابن أحاوز سب شد. كه درسه	10 ·	مقهم روسه در این موضوع می انجارد که	S etc. also read let al, an addition of
چهل و هشت منار گرمان کسر عابدات حاصل شد. است (موم) چند سد منار گرمان در این ضمن بزارمین و ملاکین و نیما	قفقازى بر بسمه منه سوله سم من من من م	ישיייסט יוידט נייניט נפינט אותני	الماني _ کار ماي کـمندون مايور
(-وم) جند حد هنار کرمان در ابن ضمن بزارمین و ملاکین و نیجا	a anora with	ساولى لصميم كرفته الد ( استالين )كميسر"	ا ج _ گچلیه اسلامیول قشون متحدین یا تمام رسیده
شد و موقع هم باهناهم وراعت اريك مسادف مرديد لهذا ابن منفعت ألهار	الأكركين إن مدار المدار العز ٣	اقوام مختلفه و رابس ادار. سباس خز آب	مستسمعة أست بين از الصديق و المؤبِّب عهد كاسه

الله الله من بايستى بك فسمى قرار كرده باعد و ال جار ما أو

الدائر بيرا إيرون از أينجا خواهيم جست المشايد الابتدار كم

الم الم الم المولى مستطق احتياط را از دست بداد. ؟ يَنْكَ \*

افر ۋاندارم قرار كداشت كه عارت و باغ وا تا خبخ

حنظ کند و بعد از دفت کاملی د ر طالا ر و اطماق

مقتول با مدعى المعوم جاد ، شهر دب را كرفته ، روانه شدند كرين معينين

جرن روز گدشته بود مستنطق از جای خو د ار خواسه داخل خرایههای مومه دردید و دررایزوی المسلمة شب قرا شرشيد جون الحاقي كه در ان داوا ل بجاره كته شدة بؤد أستى بسله بمالد ك الم كماشاجدان كا عده شان دقيقه بدقيقه زيادتر مبشد تسته مانتسان این خود با دقت باقی روز را مشغول آمتیش و آحقیق د ر بیماریند. روی زمین النجا آبود و می قدر پیشتسر کشت معتسر ثالى نعش را بطاق ديكر برداد دو انر زن دهالي و ديمند و شوزان- كمك يَرده إين كار أو ا الجام دادند. با بي منه و المحمد بالمحمد بال المرى از درد يافت بالاخره بيرون آمده در مقابل مخدرين الماین هم در روی تبسکت کهه ای که در عل المجمعية. ديكر كه درصحن حبات ممارت إستاده إودان موعظة و دعا خواندن جومعه قرار داده بودند در الحت المرابع المرابع المنتخطين المنتخطين المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع الم اقابان مقدمات وقابع و علل ديكر سبب ميشو الد نظر دفق بکی از دهقانان ابزیدر بو تراهخواپیدیود . يبرون ژاندارم ما با 6 / نفر از دمتانان در فواسل لَهُ أنسان فَرض كند دُود الجرائح در ابن قُلمه مي باند معين در خراپههاو عمارات مجاور قلمه برکتيك می الممين أولى هذلا و حقبة: ابن: السور غبر ممكن: أست ابتقبد .

اشترکی دا که یك نفر از قائدین جال مناز تا المینیمین این از با و درتوی اریت م

کنیدلد ؟ به من الا الم اعال بازده شب همه جا ساکت بود و ابدا آب إز آب كمان فخورد و در آبن سامت بلك مُداى ليرى أز الطرف عمارت كنت شنيد. شد مجر بروايش ۋالدارم تما بينيدن صداى جبر صدا ۋد: يو السر از شما إبن بج متابلا والج ق بقد م كان حركت كنند بس ثمام والدادم ها إطاعت رأبسف ن از المحرك كردة از سمت شجب الحود را بسمسارت / بانها كلك كرد الم ابن خاموش ذه خا لاجة وقست / المحمد رأيس والمدارم رو به كنت كرده افت اجالبكنت

ارساً ادمانجا والطله كاداددر كاريكي انها يك سراهى والمحب يود دو قماعت أز المغب شب كذشته ويكر تعاقب كَبْرُ دَيْكُرْي أَوْ أَنْ طَرْفَ مُوْمَعَةً لِقَرْبِياً دَرْ خِندُود قَلْعَهُ اید او می و در شمنهکه دسته جمعی با افسک اِـدست. شنهده شد و در شمنهکه دسته جمعی با افسک اِـدست. المجمني كه در الجا خرابه ها ي شومه شروع مبشد وسيدلد كه يكمرانيه شعلة إتش از طن ف والت قلم. ه رو اروی ایشان از اطاق زبانه کشید و دود غایظهی متعاقب أن يجانب اسمان باند شد جة يود ؟ ليأر قلمة ود که میسوست ود که میسوست رئیس ژاندارم ها فریا. زه : ام هانها هستنسد

كَمْ فَلْمَهُ رَا التي زِدْهِ اللَّهِ زُوْدِ بِاعْبِدْ رَفْقًا أَنَّهَا وَأَ دَسَتَ کی گنہم حتما حلوز زیاد دور نشدہ اند مستحد م الله أسبم شعله انشرا متوجه باقي همارت ها ي فلمه مم کرد و دفاع از حرق واجب از از کتاب دردان بود ابن أبود كه زالدادم هما متمنو ل خابو ش بدار شده شر وقت ايشان آمد و بندويق عاره خوب الجوداد عا الله ما ما ما ما ما ما ما ما

شوم • ماهميشه كماشر بوده إلم در متابل أدعاهاي منعقاله ومقلالهم لبسليم ابن مسله را برخود هموار نمالهم كا بك تجاءت متددنو ايران اعالت خود أرا در مجمع آورى ماليات هما ودر اجراء فوالين م أَعْلَىٰ إذا بِن مَسْلَهُ دَلَالًا مَعَانَيْ وَجَوَدُ دَارِدٌ ﴾ عَالَتُ إَلَى العَلَامَاتِ تشاش امنهان تبست مشملاند اشتخاص كولاء تظن و"خود خوا م ك مالف باعليات مديران المريكاتي مبياءتذ و أبن اشكاس دو المعت

TYLISSING & MERINA MARKET BASIN &

نتوالستم خود را راضی آنم به اینکه از اجرام این اظامات راجم

ی و افود أجانب ومهارای که خودشان مرآنتریک داراند اوالسته الد كمرام تموده و آنها وا "بيك عالتهائي وادار شابد كم آن عالفهما لحاد أوره أيم بعق و ضغ مدارا و المليم در مقابل دُعاري حقه لصديق و تركبه لخواله يود الله في يوم فارد بو... ام بغود من أدر رايورت آكبه خودم اسام اشخاصي را كم عسده مان يوده الذ مد آبور و منقد خواهم كماخت سلمين مشارية ا مومى واجع يتريك از جند ما، اخير سال كديمة باين طرف قريك أبران رواق فوق العاده ببدا كرده است و بابن واسطه در مقدار دریای ديدة بك المحبر عمد بوقوع بوستة وواج برزرك تريك أيرا ن در Chen Brief (Sheet) (The T Meridian ت الرياك به أناسي كه در سال كذشة، در حمين أوقات أبوده بيش أز است يواسطه أين الرق قاطق جوب كم سالهاي قبل فريك فخدوه · ان ولايم، جهرة منا فع خو د ميد ا تموده بم عيمت عملهـ ا ت خود ·第二版、广、风、天、大、小、 ین جهة یمن ارق قېمت کریك در خارچه و منافع برری که ازصدور

التربيسا كابة عجار كمام اوقات خود را سرَّف جوله مسازى برده ن تريك را جمة مفترف على متروك واشتند . حص معمد ا لجارت صدور أرياك بإين الدازه سوديند نيوده است مقادير مطبق به

کز زراعت المنظرج کراف حل و اقل و بیمه باشرایجان مسکبلان شده يود باستهان عودت داد. و بجونه ميدل محردند که از آ قجا فبعت بازاري كريك در خارجة بالذازة مستحزاف است كا يسد أز وتقل و يبهه وغيرة بأزهم يك أسود تجنده بواى شاحب فريك خاصل جونه که پرای صدود حاشر شد. بکس بلسدی بیست کولن ارزش سال كذشته جهلو بنج قومان قيمت داشت الم مسکر به از نقطه نظر قجارتی برای مملک خسل نافع و مضید ات زیان عمده را در بردارد میون تریاد که در موارد طدی بکسی دو فران ماليات از آن دريات ميشد علامي از علكت عارج مبشود دو قران است اریای که از استهان برای مصرف میاستان محل ه حمل کردید، و این تجاوز سیب عد. که درسه برج ابغیر میلیم مَانَ كَسَرَ عَابِدَاتَ حَاصَلَ عَده استَ عَامَدُهُ عَنَّهُ عَلَى تَعَانُ صد هزار گومان در این ضمن بزارعین و ملاکین و نجار منفعت طید م وراعت اريك مسادف مرديد لهذا ابن منفعة ألهاد عرك شدك

برای منافع بیشتری بقدری که امکان داشت برقطمات مزارع اریك نیافزایند بقیه دارد

ديدند كم يشرعت حركت كرد ولى در مان اثدا سداى دزدان بي قايده بودر بس والدارم مي كمت: بايد نا صبح منتظر شد لايد ( أوى إز ايشان مانده إست الوقت مى شود اکتشافی کرد ... كانت كم سخت أالدونداك بؤد كنت : - كمجب ابن است کا علَّت ابن حربق و ا کُن آمی قهم رأيس والد أرم هما درت كنت وا كرفته كَمْتَ قُرُوبِم أَنَّ بِاتِّينِ الحَمَّا قَ شَمَا مِن شَايِدٍ عائش رَأ

2 6 2 2 x x 3 2 2 m دو منمن خرکت بخرابه های صومه رسیدند رُّ يُس والدادمة، هو الر از أنربازانش والجاليها كذاشته اود سدا زد جوابی نه شنبد بش رقت دید که رفقای أن أو أنهر أَهُمْ دَرِ صَدَدَ بِبَدَ 1 كَرَدُ نَ أَوَ هَـكَند بِعَدْ بأنفاق ايشان در صد د أجسن بن آمدند بلاخر م ان بِيجارَهُ هَا رَا يَافَئَنْهُ لَهُ دِسْتُ وَ بَابِدَانَ رَا بِسَتُهُ بِرُو يُ كردن انش شدند كنت و شورش معم از ابن هيئًا هـ و ازمين انداخته حق جلوى جدمهايشان وا با دستيال كرنته

## Y and the

وعادمته والمرد آزاد

اهالی تسلیل صوحیٰ ،وده و برای تشریف

فرماني آقايان حجيم الجلام آقاى أبت الد

**بایری و ملولی بادی و حکومت و کمار** 

در غارج شهر جادر های متعدد زده و لو آرم

اشريداب فرأهم الموده بوداد حكونت شخصا

1. A. A. M.

عقادت لدكر ان

بدون هيس كوله استحقاق بة أ تها داده شده – خواه بواسطه احكام غلطي كه دربار صادر

كرده له خوار برأى اينكه ماليات دهند كان تخوصُله كأديه ماليات قدارلد و آسميل داران را

المعالم المبيح كمن هم إهديت بإين مسله عن داد ا معمد بور له معرف الموسم

····· فردم شهر همانی را دیدم که در این حالت بود، و حکام آ تهما بواسطه

. در ایران دولت وجود آدارد . جلور عکن است دولق وجود داشته باشد در

الم المات إبران الله كا إذ ابن المله الحار وازجهات الابكر - شببه به مات ووم قديم

است نسبت به زمامداران اخترد بداین می باشد . اخوام خوب باشند خوام بد ب ابرانی از

نقطه نظر سباسي الداوقا دار نيست و أكراخة مملكت خودش را من برسند ولبكن مملقد

د سه سال إدر أسياً » كاليف كنت دوكويتووزيز عقار فزالسة درايران ( ١٧٧٧ همري )

الا قد والا البه واجمون

رحت ایزدی پیوسته از طرف خوم طبقات

علماء و حکومت حلیلہ اندیبع مجلمی به

الله حيدري به لسي زد الدي

ا الله مراهمة - بديروز كه زوز ؛ علم ايندى

بود و معمولا در. آن زوز مسئله خيدري.

استی بیش میاید در یکی دو عل دو ایرکی

مری شد در بك عله هم دو دسلسه الم

خورده مشتول زه وخورد شدند حکومت ا

آنها مادف شده جلوكيرى لمودند .

فدمه جوبالواشنك عتصل جراعت وسبداء

وا در مازل پیکی نبید و می دو را پنظمیه

جاب مشکرد وس از دست، کر ی آنه-آ

اهالی کام دکا بین را بسته و عده آشیری

بتلكر افغاله ودرب تغلميه جمع و مجازات

رتبي لظمية بإ زخات زياد جميت را

المجان - روز كذشته أزان دخترى

وا فقط باسر و ماورت مو شمه المر ال

قسمتی از آمالی ایران ایدا مالیات تعی دهند - خوا. بواسطه امتبازاتی که

119 .11

المت کار مادین های صنعتی و فلاحق طوم بهذبة دراسة موقدع أفتتاح إمايتكاء حاضرته الموده بفروش برسائد حق الدراكة رداخ الده المراجع والمران وأسق حمه ساله مبلسخ دوازده مزارفرانك از بايت متفارج كنكره لحارمي إن المللي إلزيك كه عضويت دارد الم بيردازد و أصف أز أبلغ فوق را در المنه فاضبه برداخت أنموده سفارت بلثربك بعوجب الله مراسله تذكر داده است كه مُبلغ قرق والوسط المايقة ايزان در بروكس إكلكرة to want inter well in the real realistic matrix of the 🐨 فوق از سااند

المايند. تحاربي در Tلمان 🐂 🖏 الظر اهميت الحارث در آلمال وزارت فوالد عامة كوسط وزارت المؤر خارجة بهشت وزرا وشنهاد مبامايد كه وجود يك \* الهـر المابندر تحارلي جنائجه در روسيه هستادر المان هم نهايت لزوم را دارد محمد مخارج وأحقوق آبن تمايندمرا جون در بودجهيش بيني لشده لصويب نامهصادر قمابند كماقدام در انتخاب و اعزام تماينده بسل آيد

دولت اماينده اعزام مبكند الماى الما ميرز على اكبر خادبهمن سفير دولت علبه ايران در ممالك بالكانك المراجب متعبانةديم درجه أول وزارت المجارجة هستند از طرف أعليسضيت هما يونى و ویاست وزراء عظم پسمت امایندکی جس الامر أعلبحضرت هما يولى جبت اجلبل ..... مراقبت حال المايان حجج املام انتخاب و پیوش شاهزاده عشدالساطنه و اقایحکیم الدوله وزير جلوم واستارف يتم حركتمي When my store to an interest to an it we had not روز كذشته مر خدمت أقاى رئيس {الوزرام لأيحضور أعليحضرت شهريارى مشرف شدءاوامي ملوكانه را اصفا وانحام أن را قعهد نمودند روز سهشنيه حسب الام اعليحضرت شهراری و اقای رئیس الوزراء معجلا برای اجراى اوامر مطاعه بطرف قم ردسيارو شاهزاده المج مضيرالسلطنه وأقاى حكم المدوله وزير علوم المالي مطلوف مواجعت خواجند فرمود مده الم ب المار محج المحج كالت آفاران علما د. امی می المی والیه المانی والیه اقرار اطلامی که از عراق رمیده است

محضرات 7 قایان حراساً بی و شهرستا، و شیرازی کے پواسطه کسالت دوعراق توقف المودة بوداد روز شنبه إطرف أم حركت كردند ، غروب روز كمدئنه وارد قم شده لهايت الجليل بعمل أمده است شامزاده عشد السلطنة واقاى وزيز معارف

هم وارد قم شده إسركز كواهند أمد الم السوية حساب ال

. , روز كذشته بك عده از اعضام النجمن الظارت من کری در مدرسه دار الفنون ارای كمويه مخارج سابق المجمن حضور بهمرسانيده بك مقددار از اسناد خرج را هذم تحت مطالمه كذاردند و جون عد. اعضاء كدبل اشد المديمي الخاذ المرديد الم روز کذشته حقوق برج سرطاد وزارت داغه يرداخته فلأنب مسمس مسرو Mrs . Is fall p & the -- 1. الم حقوق فير ج خرطان أدارة نظميه إ نين אַ כּוֹבּא בֿג ע גאמאל לי איי איי איין and a second حقوق برج اسد وزارت مالسیه انبز پرداخته شد مراز ۲ مرتبه المحمي منتظرين خدمت الم

از ادار، محاسبات وزارت مالبه بسوم منتظرين خدمت اخطار شد حكه أز اين ماربيخ به يمد حقوق بالها داده لخواهد شد امیں ٹرٹید کی بسوابق ی کمیسیونی دروزارت مالیه برای رسیدی يسوابق جدمت اقايان منتظرين خدمت ومماثل مربوطسة والخرز ممامة با آقهسا در اجت قادون استخدام اشكول شدة است " أزملتغارين المدمت الحواسله شدة إست كا المم الموغ فرمان واحظم وزارتن و اسناد ادیکری دلرند به کېمپون مزېور لېاورلد ژسيد کې شود

بيبنين النسراخيا رواخليز - \*\* سبعا بأورود محمج اسلام فمرد بإيهترين إحماسات وعكره اسلام

بيرن من كنند يا اللا نبي يذيرند • 🖉 😓 ۲ شش فر شخی شهر باستنبال رفته بود و أز إلجأ قدم بقدم با كجليلات عظيم التائى تدادين فشون و وسابل لازمه و مهل بكار هبه في توالستند بكسنند . مصحفه كم احدى تظير أأرا لديده ابت الله معظم . خجج اللام دامت بركالهم إمميت حجة -الاسلام قمي و تفريرمين كه تا عبراق رفيته بودند بدو فرسخی وارد بعد از صرف،بوه صوران كَ حَبْنِي كَس خود را عتاج بان نميداند ٢ ، رداني المان المدين المراجع ال ا شرائ خرکت فرموده در یک فرسخی.هم جزاي اوقفي فرموداد ، المن م إن مايه > كثرت جميت و ازدخام قوق العاده يود ولى بحمدالله با كمال أسلالمي و شوكتورود المست که باید آن را با یک خلومتی ادار. کرد از محکولی و به این و مان الله ا فرمودند فتط سنة نفرة از آقابان أيت اقد زاده شرادي و ابت اقد زاده خراساتي و اقاي دهر سلاله، بو اسله كما لت مراج در عراق ملوقف و المسد الشريف خواحسد it fater in the state of the معنيه سامتهاغه شاشحاجي ميرزا حزاب مجتهد ايرواني كه از اجله علما و مجتهدين مرافه المة الملك المز شرارت ممكند ا يوداد بي ازمدني که يستري بوداد ديروز نشابوز - ازقرار مذكور غلام ضأخان كانته وأريب اللحار كاسابقا تعرم مشدولة شرارت بود محددا شروع بشرارت نموده مل آمد در مهجد امام زاده مجلی رخبم منعقد بود . بالزدة المرسوار بسر ولايت امده و از قريه زشك وإيوان كاء يسر ولايت يكنغر سوار ناب الحكوبة رأ دستكير آبب و تتنك اورا بادو واس آسب اذرعایی آن محل کرفت... وشبيتر بعدركامرفة فوق المادم شرارت المؤدم اخت ، بخط به نه که جنوب کی جانب تدادف و از طرف مارودين حكومت جاو المنابع دستخالی برکشتند ... هارون آباد - ديشب دو دستمه دود بهارون آباد آمده يك دسته يطرف اداره الهامي رفقه دسته ديسحر يطرف غتر دار رفته و بدای کر از آلجا باند می شوه على المدر سرجوقه از طرف أداره الطاح، م رود و حدين قلي و حلي محمد عالي الظامى دواره خبر دار شده يقدر قيم فرسخ دزد ها را تعقب المودة الفريدا يقلدر وك ساعت بهم ابر الدارى لموده الد يك كبر بشلوار حسين قلى خورده ولى كار كر نيوده حون که ابنها د و ندر و آ اما جمبق يودند مع ذلك فرار أموده فرخت وشك ببك را در خواست نموداد.

ود الموداد الله المراجع المحاد المراجع

متقاعد و ينويد استنطأ ق و كشف حقيقت المالي والمتفرق نجود دختر و بيك والوقيف تموده نا رسيدكي بعمل آيد

JEL Same & w

وازله ول لمي دهد اربت - 'دکاکین کمنوز بسته واجیمامات در مساجد باق است دو سه روز است بر معداد» و شدت تزارته أفزود. شده درظرف بك شباله روز كذشته خدار بسنج مرتسه وَلَوْ لَهُ مُحْمَدُهُ عَمِوما دَيْنَكُ سَهُ سَاعَتْ ارْشَبْ حکذبته بزاراه سختی شد. که اهالی موما مترحش شدلد تمادي المام المعدو

و اجارط رحد المان سطب المعادية and states in the - على شورى باكثر بت معلا وأى در مقابل ٧٦ راي اعتماد خود را بدولت جديد اظهار داعت ( ر ) جديد اظهار \* خربکه بعد از برلن واسل شده است ادمار میدارد ... ( استرسمن ) بطور منهم در شمن الحق خود اظهار کرد که پس از آنکا امور اماری ( روم ) بدون میچ كونه لحديدي واكذار بالمان شود اسراء و محبوسين تداما مستخلص كروند و بالمان فرضت المش كديدن داده شود وبار هاى بر

> Jul Jul المسمع المراجع المراجع المستعمليات أوسن لوقن ميل المن معاد من من كاليف : موديس ليلان . الله المولي الله المحمد الم الم يعد يرسيداد : - محلي واكه د و الجا ممكن است ت دود آباهد البلية الثان من معمد أرباهم عالم ال The products at the state of the second مال ما از کمجو غیرل دست های خود را از کمجو بهم المداين ماليدة و كدفت : عجب اقبالى يەن ژو كردة مساعدت این جرأن می تواند کاری کند که من شاحب اهمیت و مقامی در شغل خود بشوم ا خوب خلا میتوالبد این اسرار قيمتي را براي من افشا تماثيد ، مانجو ( ١٠٠ حبوا ن كمفت : \_ همين حا لا تتبغو اهبد بأ خرورتی ندارد در یکساعت یا دو شاعت دیگر المتنافع المتعالي كفتات ما الم المحاجمين ساعت الما أي أبورا بكوابد در ابن النا كا منهموا أيزيد والهوار 4 با الاسرام مستشلق ( ابن قسم / جدورانه : صحبت ) والدادعا مى كرد . مد بسل ويعند وخلر عموى وخلر اكت كه از أبعداى إين واقعه ] آقائى يا قد و هيكل و لياس أين جوان كه دينهايش

حشمان حود فرا از حبوان محصل باند نكرده ارد بك مركبة فربادي كشيده كات أقاي مستنطق معطة كافت حدجو است ماد موازل دختر یکی دو سه دنیقه دیگر هم تردید کرده المد به مسبو فيول رو كرده كـفت : ـ از شما خواهش ا مُبِكْنُم أَقَابِ مُسْتَنَطَق أَزْ أَبِسَنَ جُوْانَ بِمُرْسَبِهِ بِجْنٍ عَلْتَ دېروز در جاده پېرون قلمه که منټمې بان در کوچك صومته مبشود كردش ميكرد ۱ ۲ ... مجري .... الم منظرة في تمايش غربين بود ديدن ايزيدر يو ترله كه إزين بيوال ديمند منشل إسبنه از مبا بريد م كفت : من عاد بوازل أ. . من . . شما دبروز مها. يوري الله وإمله الدينكي ألد واخده ولى جنعها ارا از يو اراد بالد بدى كرد ملل ارتكه مبخوا هد خوب حدس خود وا در بارم أو النيب تمايد بعد با سداى ملايمي کنهت : ـ بله امن در آن جاده من بور در ساعت جهار ظهر وفتيكه از. ازديك جنكل مجاوز مى كذشلم

ا الراشيد، بُود مردش مْلِكُرد و بخوب من ملقت عدم كا أز اين نكاه من اين جوان سمي كرد لود المعظمير كيل بعبارة فراله المتهاج والأرام والمتعاقب مي ايزيدر أبوار **له كمت : - و ان جوا ن هم** من يودم ؟ [[المُتَّاماته الله المحموم - مناصل ما ا ی ریمنڈ کےفت:۔پرای من فرض غبر از شمال كاملي بين شما و ان شخص وجود داشته باشد ا مسبوً فيول از إبن سؤال و جواب ربمند ، بوارله حجن بتدير و متنكر كرديد بكي أذ دودهما . باسم درتکه لچی أو را مسخره کرده بود دیگری هسم شاید در لباش شاکرد مدرسه آن کار را تجدید کرد. است بعد به ایزیگر بوگرفه متوجه شد ه ک. ت : ـ به مبکوئید میتو ۹ کفت : بند و غرض میکنم که ما د مو از ل النتباه من تمايد و كاني است كه من ببك كلمه أو وا مَعَابٍ كَنِم وَ بِكُوْلِمْ ذُر شَاعتُ حَجْهَا وَ دَبَرُو وَ مُسَنَّنَا هُوَ

المن شود . ال الم المتحد الما الم الم الم الم الم علم الم ممتنطق با صداى خشان كفت ; لم يحر ف تمبشود باستی ثابت کلی که درم حال موقعیت شما چندان لمهل و ساده قبست ا عجالتا یکی از ژاندارم ها کشبک شما را می کند. برد میرد باز ا از جهره ایزیدر بوتراه اثبار تاثر شدید م محال بنظر می اید . . . مکر . . . مکر این که شیب اهت آمودار کردید وا صدای در خواست و عجنر کافت : أقاى مسلطق من خواهشمندم كه امام اطلاها ت لازمه أرا مرقدر ممكن است قحمال كالمبلأ انوقت مترا موراً ه الموة ظن قرار ادهنيه مان ، حار به عهد ا المستعلق كمت: ٢ جرا ٩ المع له الم المت الا الم أيدر من " تيرز است و ما هديكر را خبلی دوست میداریم م من هم امیخواهـم که او أز إرأى خاطر من دُر زَحْمَتُ بِفَقَد مُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللّ مع مندای عاجزانه جوان محمل شنقت استنطق را

باره خود او جلب اموده بالا خره التربدز بو اراه وعده كرد : ألروز عصل • يا فردا هروقت بخواهاـ. قريه وآول بؤدم له در جاده ای که بدر صومه منابه ا خود را حاضر اما بد الله به منه مسامه ا

ی کرد آزاد

یہ ی قسارہ ۱۱۹ ی

ن ذل گانی اکونو می 🗠 ا اعلان أمرات مهما مساله إقتصاد واقمه در أ مروازه فزوين إز من حبت منظم واز وارد إن دفتر مهيا اخاله بإربس محترما خاط محوم يديرالى كامل بعمل مى آيد + دريندى شير ، مالخانه المر. اعلان • ١٠ ٢٠ - ٢٠ **آ قابان ذی ننم را مطلع میدارد نشار باینکه** ما بالم ماحب ملك من خواهد اجاره را بعدى مان المان عليه آليانس فر انعنية من من ا برایند. براد کند که اوضبت کمنونی غیر قابل قبول است لذا از این ناربنخ اصمیم کرفته است الم يونسبه ردو الزدهم سابله سه ساعت بغامرا منتوح مبدود . بي 11 مع مدمد الربي 1 A. 4 . 4. 8 ما به کار به کار به محاجبات و کار های مهما امخاله المان المار المدير جديد مدرسة والمعلمين تجاهدت خواهند كرد موجيات ختنودى محصلمين والله ما ماء ماده و الثانيه آن كه مادت از بها او ق أولهای آلهادا فراهم سازند : الما الما والمارد مبدل همه قمع فرش مشمع عبسنى المنه الما الما حمان أوبه عاكردان وراى دريد فراغت محميل 2 6 فريب به يركرام الاكالور الدي أست مرائر الجواهد شد . والهما الما المراعد المراعد المراعد الم آلات بلور آلات و غبره و غيره بغروش المسالد المرالد المراجع المراجع المراجع ومقرَّسة من كما موفق الحذ أبن دبيل شوند مم الولفند أزدروم، مدرسة طب ومدرَّسة حقوق استغاده كسنده الري بالعيد في المودية الما منا الموالي المراجع المراجع الموجادته الم ي قابلي كم مايل خريداري هماند م مع بين أوالند همه زوزه در مهماتخاله باريس به الم يهذ الجه شاحصكرداني كم الطريقالية المتدائي عادرسه را دارا حستند - يا اولداي مذرَّسه آنهارا لأبق أدانا محدد ابن كمان فبول م شوند . مدير مدرسة اغاب شخصا دروش مسبو واراه رجوع فرمايند مجمل معارفة في آن را عهده دار خواهد شد ومقدمات اقتصاد سیاسی و حقوق هم در این کلایش در بُس المرة إعلان ٢٥٢ . . . . . . . . الخواهد كرد ، نظر: به محدود بودن عدم شاكرداني به ممه دود البول محكرد داو طلبان دُّحول بابد ثبت الشامي خود را عقب تبنددازند · براي اطلاعات كالملتر به اداره مُدرسه TE AND SEAS IT RE LA LA A. W. W. T. B. B. B. B. W. A. B. B. المرجوع شود الم الله الم المرد إعلان . • ١٦ مرجد الم المد ع الم الم - + - + - () A LIL 3 A and the state of the second HT. U men files to the site for the state \* "Ly \* 94 and the state in the ward and a state and فار بابلكم وزارت عدايه وسائل أجرأى قانون ثبت اسناد و املاك را در مركز فرأهم المودة دراؤل برج اسد هذه السنه أداره مربوطه آن مطابق قالون اشكيل بافتهاست لذا باطلاع إهالى ميرسا ذكم عموما مبتوا للديراي فيت استاد وأملاك بادارة مزبوره مراجعه تسابند الله و ضملها خاطر عموم وا مستحضر في مطلح مبدارد كم قانوني توديد اعتدارات و A trad Bridge the a hand مَرَائِتُي خاصي بُرأى أسناد و اللاك ثبت شدة قاتل كشته وهي شندي كه طابق مقررات قالون مزيور ثيت شود حانز اعتبارات رسمي بودة ومفاد آن يُدُون ارجاع يُمخكمه لازم -الأجراء خواهد يود ... و معضوسا باللهني كه إملاك خود را در دفتر املاك ثبت مهنمايند 17-3-11- ----حَقَوق عاللها حَوَدٌ وَانْهِبت المودة ودَر [آلبة ازم، قدم ادمالهم المبت به مَلك خودممون و محفوظ محواهند بود من محفوظ محواهند بود من محفوظ محواهند بود من محفوظ محفوظ محفود من ما الم محفوظ محفود محفول م A PRIMA 5.1.2.3. C. C. B. Bran Company and services and the services and And Marine ه به ای از استان المحت جلدی مطارسان بنیر معالجه تقوارض سفله ای به از مرض کب و اوبه های گازه و کهنه انجات داده از مرض کب و اوبه های گازه و کهنه انجات داده uner the the the second line ضد ها اشغا من را Alay with the set of t a la formare realized suburil Find the for the work of the second · عن ولي الم من ال حما ال المغال المدار ؟ مند هار کاغل عکامتی از ا دارد. به این استیمان جد دانه آمیول مطار سان ژفع خوش های سورت و بدن و کجلیرا مهنماید که بین سانی که باش فوق میتلا ودانما دو جارید ازاحممان آ بول مطارسان الماسة ٢ المحالية في المرد بان و إر الى مال كار خاله خرد داری و علمت انبانید - -مسلبه الم لوميروركان حديدا دواخانه عمده فروشي لور وارد أموده كارت يستال عكا شي أيز Pheis. Drog. Nour and the state of the state غاله: «با مان الومير موجود است. مال لومير موجود است Representent مى بومير موجود است الحمد بابيد مستعدين الملحة الالايان مغالمة المرد أعلان 120 - 1 Aveane Namerich " حبابان كاريه المريد الم ديادة المنتدار في more public where the weather and

ولا مشالاتان سو زا ل مراجع من المربع شفاى كامل با استعمال حب هاى. البرت مع المربع المربع المربع المربع المربع المربع المربع . fe ele a alunit value

اسا أن ساتتال الله وإسله برو فسور و مايسندان فرانسويد ا بدردي ارتحجبهات

أو أولين دوائي أبت در معالجة المرض تجرأوي ادوار بخصوص ابن كبسول هماي ممركب با اسادن سانتال خالص و سالول و فورمين و باودونتهل كه با دفت و اختباط

المجارب متعددی که در این اواخر در روی خواص فن اولو زیکی فار کی شیمیا می

من الله المراجع · التق ملى بيل فول الله عنه الله عنه الله عنه التق المُدْسَلكاء الومييل تواعل إز كارخا تــه ( فرد أور الذ ) با أسباب و لوازمات ، بدي: يفروش میرسد طالبین به ( مهمالخانه افلصاد والمه در دروازه قروین مراجعه و یا مدیر مهدالخالة مذاكره فيابلد مرابه مستعرب فمره أعلان دها والمعالي مرام ٢٠ - ٢٠ We with the post of the second of the second

المحاصية الماري المجمعين فحداها و كافع كرين دواها الله المستخدي برم فردى لازم و واجب اللت كم براى حيات و وادكال بدن خود راقوى داده محصوصا أشخاصيكه داراى استمداد مراج كمبني و ارثى براى آخذ م كوله امراض ا. و منهنه مبهاشله - اشخاس آلهان ( مَمْ خَوْنَى ) الخَدُواتَ فَمِّنَ أَزْ وَشَمْ حَلَ -وْقَانْ شَيْرِدْهُ أَنَّ الْعُمَالُ صَّعْبَفْ وغيره وغيره . وغيره . ما الله الله الله الله الله الله

لازم است که عوم در صدد بر آمده اوسیله دوای جربی بدن ( قوی د اشته وْ كَاوَبُوالمالَى أَرْشُ كُلُونُ كَا أَشْكَرْ أَبِدِنْ عَمَوْبُ مَنْ شَوَالًا بِوَسَبُهِ أَن ذُوا إضافه شده كا إِذْنُ دَرْ مَقَابِلُ عَمِيكُرُو بِهَاى خَارَحى كَم عيارت إز دَمَن بَدق آسَتْ مَقاوِمَتْ أَمُودُهُ أَسُونَ بماللاً أو: المَرومة باستدائ أثنا بعارت تعبدهد من الشمايين بين عليه معاين مرين عربي المارين المعاري ا الما الوطالة في أداراي الركبيتات طبيلي است سه دسته آيزرك مواذ غذائي كما يراي أحبات أَنْسَانِي لازم المت<sup>اد</sup>د بن دارد ٢٠ القهمين را بواسطة أ تار مشميم لغود غمرية مبتمايد خوالجمني كه إيس أز ومسم حسل دجار بي خوالي و بريد، رتك ميكردند يواسطة استعيل اوْمَالِيْهَنْ حَوْنُ عِمْنُ أَنَّهَا وَبِلَّهُ مَدْرُحَ وَوَ كُونَهُ هَا كُلِّي وَقَدْ بَسُورتْ بِعَاش وفريه مَبْعُولَكُ \* إومالتين شير ذلان شيرده زا زياد مبكرهالد ودرش امرائي يتشيده شحه أطنال را قوى مينمايد يعتصوص موقع ربتها ونمو اطفال استعيالا او مالتين استعوان آنها والحكم مبكر دالد يرايد اشتخاص محجل عُدوساً آلها لهم بمطالعه كتب و الشاء ،قالات مشقو للد و (خات عَى وَوَوْحَى 1 المَثْ دَيَاءِ المُتَد بَاسَعْمَال أوماللين بندبار الأم المُنت الما مُوات تُعْنغوري ك مماع يتبسرف مبرساند إدل ما يتحلل امؤده و قوة مانغله وا كاه داري كمايد و بواي الميسات ابن مدما والراب معجز بلهاى أبن "درا از اعتاميكم اومالتين وا استساق تتودك لمعتبق كا ما المرات . آن مكنوف كرده - حال فنار بة اللبج البكولي كه ابن قرا التر الهم الروبا عسام ساخته و قيسلا هم در ايران عل توجه يؤد، دوا خاله يستوز وارد المؤدة و عقم وطنان خود مرده مبدهم محه برای جنظ قوای دمانی زوجی بدن و مطون تودی از بعنی المراض استعميان اومالين يبنيار لأزماق مفيد عواها تد يود الم الم الم محل فروش - دوا خاله باسلور خوابان جراغ ارق ف طهران الله ماي المنار

المراجع التالي كمراز غير ما مايل تمايلك واشتد برائ فروش اوطلتين خود ترابدواخانه فترفى قدؤدم كالمقرار داد معصوصي داده شود المحاج ماعه زيروب الموا 1. . . Lake Ar and Creater and Ar and Ar

ير حب تولك ترياك ... الم ودا بالدجاة (1 د. به المتعلامان به از باله را معارت الدي منه به عالي و ال مدلى است خَتِي الرابب دادة براى الرك كرباك كم بدون هيج النبيرات مزاجي وبدي اذبت لهای محماری در مدت قلبلی ممتادین را از این بلای مدم تجنبات مبد هد و در مشرض ارتبعا كات عديده اغلب از اقايان دكتر هاى درجه إول كذارهه عده م إطاليين يدوا خانه بإسعور خيابان خراغ برق ترجوع مابند AT - WING ALL ALL SEE IN STAR SMAR T TANK I T'T TAKET

" كتاب الله التاسيس ·

كالمابخانه يروخهم واقع درأ خبابان للمدية جنب دارالتجاره كأشانى خلطر آقابان میدارد که کتب علمی و کلاسیکی فرانسه و رمانههای مختلفه و -

Le Lait Melte Nestlé de tate de la companye de la compa المعنى المغال خود قاررا كه از بي شيري وباكي شير ايكي بي بنيه و ضعيف كرديدة الد اند بواسطه بمترين و متوى ترين شير خشك ( تستله ) كه بشخان رسيد، وإز طغولبت استخواتهای طفل را بر منز و قوی میدماید اندیه اموده از فرینی و اشیعت مزایج آنها محظوظ آرديد در دواخاله ها و ايسنى منازه هاى مهم مطسوسا دوا خانه عدرن خيا بان المرية بفروش ميرسد المريب أدار ومرم ممال محمد ومنهم أواجه والمال والمحال المرد الملان ١٤٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ مطبعة مالان

در ابن كلايعا له به مناسب وفروش و إراى محراض التالي كم كا أمروز ازاستفاده كتب منظورة إلى يهره أودة أنذ لعهد محاليات هي كونه كتابه، أوا كه خواسته باشنددستور ٣ يعند إلى از دو ماه والهم بلا مسامحة وارد أموده وإنازل لربن قهمت بإرباب رجوع تقديم ا مهنمايد و نهن سفارشات از لمام ولايات بذير فله للمبقود المرة اعلان ١٧٧ 🛫 ٧ ـ ٧

الواع و إقسام المشه هاى طبى جدراني و يتانبك و ديكمنيو تر هاى حديد اللَّيْم ١٩٢٣

أوق الماد. در باديش درست شدَّه و أوسوم بحب آلبرت مي باشد بهترين اركب مدوف امروز المن كم در معالجه سوزاك خدمت بزركي بمنالايان تموده و در أندك تدرير آلها. أرا از راج سوزاك يدون عوارض ديكر آسوده و شفاى كأمليه مي دهد واللغ المربخ ا ی قدر خورال - از شش حب کا هفت حب در روز می توان خورد از می م ندره أعلان ١٤٨ موجه مراجع به المبلة المدقر التي التي التي المسيكة الما يه المراح عن المراح عن المراح المراح المراح المراح الم المراحة المراح المراحة ا قرص های تراثتریالتدکترظه الحکراء همدانی که سالها است امتحان خود ر ا مادة و مزاران أشخاص را أز أبن بلاى بر مققت اجات وخديده در دوا خانه مدونواقع فر خوابان الصريه يقهمت مناسب يفروش ميرسد .... المرة اعلان ١٣٥ ٢ ٢ ٢ ٢ ١ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢

i we instruct El Cas tres is as 12 . F . S . V . U . W. : 1 : E 140 . . . . . **.** . . . to contract proper The Bart Bart of The Margel 16

Real and the